



راه حل کاهش حجم ورودی پرونده‌های تعدیل اقساط مهریه چیست؟

امروزه با توجه به نوسانات شدیدی که در نرخ سکه و ارز رخ داده است بسیاری از محکومان پرداخت مهریه ناتوان از انجام دین خود در قبال زوجه هستند.

امروزه با توجه به نوسانات شدیدی که در نرخ سکه و ارز رخ داده است بسیاری از محکومان پرداخت مهریه ناتوان از انجام دین خود در قبال زوجه هستند. از نگاه فقهی زمانی که شخصی معسر از پرداخت دین خود شناخته شود الزام و اجبار ایشان به پرداخت پذیرفته نشده و باید مهلت مناسبی به او داده شود. به گزارش «تابناک» بسیاری از فقها به حلال نبودن مطالبه ی دین از معسر حکم داده اند (عاملی (شهید اول) به این ترتیب وقتی مطالبه جایز نباشد، به طریق اولی حبس جایز نخواهد بود (حسینی عاملی) در عین حکم به تحریم حتی انظار (به معنای امهال) و به تأخیر انداختن دین را در این باره به اجماع نیز واجب دانسته است (موسوی خمینی) و در کتب حقوقی نیز به این حکم اشاره شده است غالب موارد زوجه نسبت به توانایی یا ناتوانی مالی همسر مطلع است؛ در موارد اطلاع زوجه از وضعیت زوج، مبنی بر اعسار از پرداخت مهریه، مطالبه ی مهریه حرام و انظار وی واجب است و دیگر نوبت به دادگاه و سایر مباحث نمی رسد. یک وکیل دادگستری معتقد است با توجه به نکات فقهی فوق، قانونگذار درگامی موثر اقدام به تقنین ماده ۱۱ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی نمود که گامی موثر در کاهش زندانیان محکوم به پرداخت مهریه برداشته شد و کمک شایانی به جامعه و کاهش هزینه های زندان ها کرد.

در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد. تبصره ۱ صدور حکم تقسیط محکوم به یا دادن مهلت به مدیون، مانع استیفای بخش اجرا نشده آن از اموالی که از محکوم علیه به دست می آید یا مطالبات وی نیست. تبصره ۲ هر یک از محکوم له یا محکوم علیه می توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می کند.

بهنام رضانی بیان می دارد: در ماده مذکور با دادن مهلت عادلانه و میزان اقساط منطقی برای زوج، عملاً زوجه می تواند در بازه ی زمانی تعریف شده از سوی محاکم به دین شرعی خود برسد و هم از راهی شدن زوج به زندان جلوگیری می شود.

اخیرا شاهد الحاق تبصره سومی به ماده ۱۱ قانون نحوه ی اجرای محکومیت های مالی بودیم که به واقع در کاهش اطاله ی دادرسی پرونده های تعدیل اقساط مهریه، به علت نوسانات نرخ سکه کمک بسیاری می کند، متن تبصره به شرح زیر است.

تبصره ۳ به دعوای تعدیل اقساط محکوم به خارج از نوبت رسیدگی می شود. در مواردی که محکوم به، به مأخذ سکه طلا تعیین گردیده است، هرگاه در اثر نوسان شدید قیمت سکه در بازار، قیمت سکه تغییر فاحش داشته باشد به نحوی که نوعاً پرداخت آن برای محکوم علیه می که تغییر خاصی در وضعیت معیشت شان رخ نداده است موجب عسر و حرج گردد، رئیس قوه قضائیه می تواند برای پیشگیری از طرح دعوای تعدیل محکوم به، به موجب بخشنامه برای اجرای احکام قطعی صادر شده در بازه زمانی مشخص و در مدت محدودی که نمی تواند بیش از دو سال باشد نسبت به تعدیل کلی تمامی احکام صادره شده برای محکوم علیه مذکور اعم از اینکه در اثر عدم پرداخت محکوم به در حبس بوده یا در حال پرداخت اقساط محکوم به باشند، متناسب با نوسان رخ داده در قیمت سکه اقدام کند. این حکم مانع تقاضای تعدیل محکوم به از سوی طرفین طبق مقررات مربوطه نخواهد بود.

مستند به تبصره اشاره شده هرگاه زوج به پرداخت اقساطی محکوم گردد که منشا این محکومیت سکه طلا باشد ولی به علت افزایش قیمت طلا و سکه امکان پرداخت برای زوج فراهم نگردد و این امر سبب مشکلات و سختی بسیاری برای زندگی روزانه ی زوج گردد. این اختیار در ید رئیس قوه قضائیه قرار داده شده است که برای کاهش حجم پرونده های ورودی در زمینه تعدیل اقساط، خود راساً نسبت به تعدیل احکام قطعی صادر شده برای محکومان مهریه اقدام کند، البته محدودیت زمانی دو ساله ای برای اینکار تعریف شده است. این تصمیم گیری هم شامل محکومان زندانی میگردد و هم شامل محکومان در حال پرداخت مهریه.

چنانچه این تبصره به شکل شایسته ای اجرایی گردد، عملاً در زمانی اندکی شاهد کاهش حجم وسیعی از پرونده های تعدیل اقساط مهریه خواهیم بود. البته بهتر بود مقنن به مأخذ سکه طلا، این ماده را محصور نمی کرد تا بتواند تاثیری شگرفی در مقوله

ی تعدیل اقساط مهریه به طور جامعتری بگذارد، همچنین اگر ارجاع این امر به کمیونی متشکل از حقوق دانان و کارشناسان اقتصادی برای تعیین میزان تورم و سایر مسائل زیر نظر و مدیریت رئیس قوه ی قضائیه ارجاع می گشت؛ یقیناً روند تصمیم گیری برای اجرای درست تبصره، در بازه ی زمانی کمتری قابل تحقق می شد.